

یادداشت

نفوذ امنیتی و آزادی به مثابه سیاست

با «آزادی» می‌توانید همگان را در مقابله با افکار و راهکارهای افراطی یک نفوذی (با فریب‌خوردگانش) قرار دهید. آزادی، ظرفیت عظیمی از همه نگاه‌های یک جامعه را رها می‌کند و امکان می‌دهد تا هرگونه تصمیم ناپهنجا را دیکته‌شده از سوی بیگانگان با نقد عمومی مواجهه شود. این توصیه به‌ویژه برای دستگاه‌های امنیتی مفید است که از درون و برون سیاست‌هایش مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا بدین‌سان از خطر تأثیرگذاری نفوذی‌ها کاسته شود. امروزه با نوع ویژه و قبیح‌زدایی‌شده‌ای از نفوذ نیز مواجهیم. فرد نفوذی ممکن است «نفوذی رسمی» نباشد اما در عمل همان راه و روش را در پیش گیرد و حتی کار خود را «خدمت» تلقی کند. مثلا فیلمی امنیتی بسازد که با ظاهری موجه در جهت تخریب سیستم عمل کند یا از کسی درون سیستم حمایت کند که می‌داند در جهت نابودی آن عمل می‌کند. در نتیجه بدون وابستگی رسمی همان منویات را دنبال می‌کند. البته این سخن می‌تواند مورد سوءاستفاده نیز قرار گیرد و هر کسی متهم به این شود که ابزار نفوذ دشمن است. آری، از چنین پیامدی گریزی نیست اما پادزهر آن همان است که گفتیم؛ اصالت‌دادن به مقوله آزادی و تعهد به سیاست آزادی؛ چه درون ساختار حکومتی و چه بیرون آن. زمانی مرحوم دکتر عماد افروغ از «نقد درون‌گفتمانی» سخن گفته بود که به‌نظم در همین راستاست؛ خدایش بیامزد. اگر مرحوم رجایی و باهنر در دفتر نخست‌وزیری به شهادت می‌رسند، نه به دلیل نفوذ یک عنصر سطح پایین اداری است، بلکه همچنان‌که مشهور است که او یک عنصر رده‌بالای سیاسی-امنیتی بود. به همین سان است حکایت این سال‌ها و حوادث اخیر. «سلسله‌مراتب اداری» گاه می‌تواند یک سم مهلک برای خرابکاری‌های نظام تصمیم‌گیری باشد. نکته مهم این است؛ این سلسله‌مراتب اداری نباید به سلسله‌مراتب فکری تبدیل شود که اگر چنین شود، کل سیستم نابود است. ازاین‌روست که آزادی‌های فکری، آزادی کارشناسی درون‌سیستمی و تأمین قضائی-اداری آن می‌تواند بخش مهمی از مشکل را برطرف کند. بدیهی است که چنین نخواهد شد مگر آنکه درک عمومی حاکمیت از آزادی در همین راستا باشد. اگر کل ساختار درک روشنی از آزادی نداشته باشد، طبعاً نخواهد توانست این ابزار مهم را به کار گیرد. آزادی یک روش و ابزار مهم برای اداره امور است، یک سیاست، یک رویکرد و یک راهبرد مهم برای ارتقای سطح حکمرانی و بهبود سیاست‌گذاری است که در حکومتی بایستی نسبت به ابعاد آن و کارآمدی و کارایی آن درک روشن و حساسیت ویژه‌ای داشته باشد. شهریکی را در نظر آورید که یکی از خیابان‌های آن را یک مأمور شهرداری بدون هیچ دلیلی بند آورده باشند. همگان مانع را می‌بینند و طبعاً با اعتراض عمومی مواجه می‌شود. آن مأمور نمی‌تواند در برابر اعتراضات عمومی دوام آورد و به‌ناچار راه را باز می‌کند. حال اگر ساکنان آن شهرک کوچک همگی در سلسله‌مراتب اداری زردبست همان «مأمور» باشند و او مقام بالایی داشته باشد، کسی نمی‌تواند، حداقل در ظاهر، با او مخالفت کند. در نتیجه راه بسته خواهد ماند. حکایت آزادی درون‌ساختاری همان حکایت شهرک و ساکنان آن است. در یک اداره یا وزارتخانه، چه مدنی باشد یا امنیتی یا نظامی، قاعده همین است. اگر آن مأمور جاسوس باشد، کل نظام تصمیم‌گیری را مختل می‌کند و کسی را یاریا مقابله با او نیست. اما آزادی می‌تواند از اختلالی که توسط آن مأمور پدید آمده است، جلوگیری کند. در یک شهرک بسته کسی نمی‌تواند بگوید که «پادشاه عربان است». ترویج فرهنگ آزادی کارشناسی از درون و بیرون ساختار، یک گزینه اصلی برای مقابله با نفوذ است.

خبر

معاون دادرسی انتظامی قضات:

نظارت بر عملکرد قضات نافی استقلال قاضی در صدور رأی نیست

معاون دادرسی انتظامی قضات با بیان اینکه نظارت بر عملکرد قضات نافی استقلال قاضی در صدور رأی نیست، گفت: پایش‌های نظارتی با هدف حمایت و صیانت از قضات است. مراسم تقدیر از قضات برتر با حضور معاون دادرسی انتظامی قضات، در دادگستری کل استان اصفهان برگزار شد. در این نشست حبیبی جعفری، معاون دادرسی انتظامی در امور نظارت و ارزشیابی قضات کشور ضمن تبریک و تسلیت شهادت رئیس دفتر حماس، شهید اسماعیل هنیه، این اقدام تروریستی را برخلاف اصول انسانی و قوانین بین‌المللی دانست و آن را محکوم کرد. او در ادامه، هدف از نظارت بر عملکرد قضات را حمایت و صیانت از آنان و ارتقای عملکرد دانست و گفت: با توجه به حساسیت‌ها و مخاطراتی که در شغل قضات وجود دارد، دستگاه قضائی با هدف حمایت و صیانت از قضات شریف، پایش‌های نظارتی را در دست‌سور کار قرار داده و این موضوع نیز استقلال قاضی در صدور رأی نیست. در این مراسم حجت‌الاسلام‌والمسلمین اسدالله جعفری، رئیس کل دادگستری استان اصفهان نیز ضمن محکومیت اقدام ناجوانمردانه ترور شهید اسماعیل هنیه، شهادت این مجاهد و مبارز شهید را به مردم فلسطین، محور مقاومت، مردم ایران و مقام معظم رهبری تبریک و تسلیت گفت. او افزود: رژیم کودک‌کش صهیونیستی در طول حیات شوم خود، همواره و در همه‌جای جهان، مرتکب بدترین جنایات شده است که اگر فقط از لحاظ حقوقی بررسی شود، ایجاد و گستردگی این جنایات علیه بشریت و انسانیت مشخص خواهد شد. رئیس کل دادگستری استان اصفهان گفت: به شهادت رساندن شهید والاقلام، اسماعیل هنیه، آن‌هم درحالی‌که میهمان رسمی کشور ما بوده است، تبعات سنگینی را برای اسرائیل جتایکتر به دنبال خواهد داشت و این اتفاق موج گسترده‌تری از انزجار و تنفر از رژیم اشغالگر قدس در تمام جهان به راه خواهد انداخت و راه نابودی این غده سرطانی را هموارتر خواهد ساخت.

مدرک تحصیلی اینجناب غلامرضاخلیلی فر
فرزند امامقلی به شماره ملی ۵۰۹۸۶۷۷۴۸۳ در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته آموزش ابتدایی صادره از واحد دانشگاهی تربیت معلم علامه دهخدا ی واحد قزوین در تاریخ ۱۴۰۲ مفقود گردیده است. از یابنده تقاضای گردد اصل مدرک را به دانشگاه فرهنگیان به نشانی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهیدرجایی قزوین واقع در خیابان نواب شمالی تحویل دهد.

آگهی تعیین تکلیف مجوز ساخت

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند با توجه به اینکه مهلت قانونی پروانه ساختمانی به شماره ۹۰/۱۰۰الف/د و تاریخ ۹۰/۱۲/۱۳۹۰ صادره از دهیاری روستای اوکسر(مازندران_ بابلسر) منقضی گردید، لذا اعلام میگردد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی دارنده پروانه یاد شده جهت تعیین تکلیف موضوع مجوز ساخت به دهیاری اوکسر مراجعه نمایند.
ضمنا در صورت عدم مراجعه، کلیه مسئولیت ناشی از عدم پیگیری و پاس‌خوگی به بدینفعان پروانه یاد شده برعهده دارنده پروانه ساختمانی فوق خواهد بود و مسئولیتی متوجه این دهیاری نخواهد گردید.

دهیاری اوکسر

همان‌طور که کم‌وبیش در رسانه‌ها شنیده‌ایم، چندی پیش دکتر برهانی برای بیگیری پرونده‌اش به اجرای احکام دادگاه ویژه روحانیت مراجعه کرد. ایشان همان‌جا بازداشت و روانه زندان شد.
محکومیت فعلی ایشان به دلیل اتهام نشر اکاذیب است. فکشر را هم نمی‌کردیم روزی که در کلاس جزای عمومی یک و در بحث جرم سیاسی می‌گویم مجرمان سیاسی اشراف بزهکاران اند. حالا باید چنین مطلبی را بر یک استاد حقوق تطبیق دهیم.

نوشتۀ ذیل مروری است بر ایرادات سه‌گانه بر محکومیت ایشان. باشد که این سطور، ادای دینی (هر چند ناچیز) به آن استاد حقوق باشد که در روزهای سرد و سنگین اعتراضات سال ۱۴۰۱ با زبانی رسا قواعد حقوقی را شرح و بازگو می‌کرد، به‌ویژه مناظره‌ای که پس از اعدام مرحوم محسن شکاری در دانشگاه امام صادق (ع) انجام شد و فریادهای او که می‌گفت «آقایان! شبیه نشد؟»

همچنان در خاطره جمعی ما حقوقی‌ها باقی است و روزگاری در این گنبد دوار خواهد ماند.

دکتر برهانی در زندان

نوشته ذیل مروری است بر ایرادات سه‌گانه بر محکومیت ایشان. باشد که این سطور، ادای دینی (هر چند ناچیز) به آن استاد حقوق باشد که در روزهای سرد و سنگین اعتراضات سال ۱۴۰۱ با زبانی رسا قواعد حقوقی را شرح و بازگو می‌کرد، به‌ویژه مناظره‌ای که پس از اعدام مرحوم محسن شکاری در دانشگاه امام صادق (ع) انجام شد و فریادهای او که می‌گفت «آقایان! شبیه نشد؟»

همچنان در خاطره جمعی ما حقوقی‌ها باقی است و روزگاری در این گنبد دوار خواهد ماند.

دکتر برهانی در زندان

دکتر برهانی در زندان

ایراد اول: خلط میان تحلیل و دروغ‌گویی

نکته بسیار مهمی که در پرونده‌های نشر اکاذیب، معمولا مورد غفلت دادگاه‌ها قرار می‌گیرد، این است که کذب در امور حسی محقق‌پذیر است و نه امور حدسی.

به این دو جمله توجه کنید.
جمله اول، «الف یک حسابدار غیر حرفه‌ای و ناموفق است».
جمله دوم، «الف قبلا چند پروژه حسابداری شکست‌خورده با شرکت ب داشته است».

جمله اول، حاصل یک تحلیل و قضاوت ذهنی است که در گفت‌وگوهای فقهی از آن به‌عنوان یک امر حدسی یاد می‌شود. اما جمله دوم یک جمله حکایتگر از خارج و عینیات است و به‌اصطلاح، اخبار از یک امر حسی است. جرم نشر اکاذیب در امور حسی قابلیت تحقق دارد، نه امور حدسی. تعبیر حدسی در بحث حاضر متفاوت از اصطلاح رایج و عمومی آن است. در محاورات عمومی که گفته می‌شود این، یک امر حدسی است؛ معنایش آن است که این سخن، ناشی از ظن و گمان است و چندان ارزش علمی ندارد. در بحث حاضر چنین معنایی منظور نیست.

مطابق با تقسیمی که از قضاوت حسی و قضاوت حدسی طرح کردیم، قضاوت درباره زشتی، زیبایی، شجاعت و… حدسی قضاوت وجود دارد، دستگاه قضائی با هدف حمایت و صیانت از قضات شریف، پایش‌های نظارتی را در دست‌سور کار قرار داده و این موضوع نیز استقلال قاضی در صدور رأی نیست. در این مراسم حجت‌الاسلام‌والمسلمین اسدالله جعفری، رئیس کل دادگستری استان اصفهان نیز ضمن محکومیت اقدام ناجوانمردانه ترور شهید اسماعیل هنیه، شهادت این مجاهد و مبارز شهید را به مردم فلسطین، محور مقاومت، مردم ایران و مقام معظم رهبری تبریک و تسلیت گفت. او افزود: رژیم کودک‌کش صهیونیستی در طول حیات شوم خود، همواره و در همه‌جای جهان، مرتکب بدترین جنایات شده است که اگر فقط از لحاظ حقوقی بررسی شود، ایجاد و گستردگی این جنایات علیه بشریت و انسانیت مشخص خواهد شد. رئیس کل دادگستری استان اصفهان گفت: به شهادت رساندن شهید والاقلام، اسماعیل هنیه، آن‌هم درحالی‌که میهمان رسمی کشور ما بوده است، تبعات سنگینی را برای اسرائیل جتایکتر به دنبال خواهد داشت و این اتفاق موج گسترده‌تری از انزجار و تنفر از رژیم اشغالگر قدس در تمام جهان به راه خواهد انداخت و راه نابودی این غده سرطانی را هموارتر خواهد ساخت.

اگر کسی بگوید مجازات کشور ما افسرده و ناامیده هستند، این جمله نمی‌تواند مصداق نشر اکاذیب باشد. اما اگر بگوید نرخ بی‌کاری در جوانان فلان درصد است، ممکن است نشر اکاذیب باشد (بگذریم که با توجه به ایراد بعدی اساسا ماده ۲۴۶ از چنین امری منصرف است).

اگر علاقه‌مند به پیگیری بحث در فقه هستید، کتاب الشهادات را ببینید. فقها می‌گویند در شهادت، شرط است که شهادت، عن حس باشد لا عن حدس.

جملات مشتعل بر امور حدسی، با وجود آنکه جمله خبری هستند، اما از جهتی شبیه جملات انشایی هستند. نمی‌گویم متصف به صدق و کذب نمی‌شوند، اما توصیف آنها به صدق و کذب، با جملات حسی متفاوت است.

در پرونده آقای دکتر برهانی هم هرچه بود، همین نوشته و یادداشت‌ها و عمدتا تویت‌های ایشان بوده که همگی مصداق تحلیل‌های حقوقی و اجتماعی بوده است و عجیب است که چنین مطالبی مصداق کذب تلقی شده‌اند.

ایراد دوم: نشر اکاذیب به صورت مطلق موضوع جرم‌انگاری قرار نگرفته است.

جرم نشر اکاذیب در حقوق ایران در دو شکل سنتی و رایانه‌ای جرم‌انگاری شده است. در کمال تعجب اولی قابل گذشت و دومی غیرقابل گذشت است. متن و مفاد هر دو ماده‌ای که این



عکس سپیدرانی، نشر

برای محسن برهانی و به احترام او



محمدنیازی
دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

دو جرم را تشریح کرده‌اند، تقریبا یکی است؛ تنها تفاوت این است که یکی به طریق سنتی محقق می‌شود و دیگری به طریق فضای مجازی.

به نظر می‌رسد در اینجا سه‌وی از قانون‌گذار رخ داده که دومی را غیرقابل گذشت اعلام نکرده است؛ چون غیر از طریق ارتکاب جرم، تفاوت ماهوی بین این دو جرم وجود ندارد.

حالا مگر ثمره قابل گذشت بودن چیست که این‌قدر بر آن پافشاری می‌کنیم؟

ثمره اولش که چندان مهم نیست، این است که مجازات نشر اکاذیب سنتی با قانون کاهش (قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) نصف شده است؛ یعنی اگر کسی به طریق سنتی نشر اکاذیب کند، سقف مجازاتش یک سال و اگر به طریق رایانه‌ای باشد، سقشش دو سال است!

ثمره دوم و مهم‌تر در تفسیر و استنباط از ماده آشکار می‌شود. وقتی جرمی غیرقابل گذشت باشد، معنایش آن است که مفاد جرم منحصرا در ارتباط با اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) نیست و ممکن است درباره غیر اشخاص هم ارتکاب یابد. مثلا کسی مطلبی تویت کند و دادگاه تشخیص دهد که این مطلب، کذب علیه نظام سیاسی حاکم است. نظام سیاسی حاکم، یک شخص نیست تا گفته شود درباره او نشر اکاذیب رخ داده است. وقتی قانون‌گذار این جرم را قابل گذشت ندانسته در بدو امر، معنایش این است که راه را برای چنین تفاسیر موسعی کشوده است.

اما این تفسیر، تهدید بسیار جدی برای آزادی بیان است، چون ممکن است هر سخنی مصداق کذب باشد به‌ویژه با توجه به ایراد قبل که گفتیم متأسفانه در رویه دادگاه‌ها، تحلیل و حدسیات هم مشمول ماده تلقی می‌شود مانند حدسیات. حال با چنین ظاهر هولناکی چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد با وجود این سه‌وی قانون‌گذار، همچنان جای امید هست.

قید طلایی «افزون بر اعاده حیثیت» در انتهای ماده ۲۴۶ نشان می‌دهد که قانون‌گذار درصدد گسترده‌کردن مفاد این ماده نبوده و همچنان این جرم صرفا علیه «اشخاص» قابل ارتکاب است. عرفا حیثیت و عرض و آبرو صرفا برای «شخص» (اعم از شخص حقیقی و شخص حقوقی) صادق است. نظام سیاسی حاکم یک شخص حقوقی نیست که بتواند موضوع جرم نشر اکاذیب قرار بگیرد. به گمانم قید اعاده حیثیت می‌تواند حتی دال بر این باشد که اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی هم خارج از مفاد این ماده هستند.

فراتر اینکه گاه اساسا ساختار فعل، ساختار مجهول است. مانند این جمله: «جوانان کشور ما در برهوت ناامیدی رها شده‌اند». در این جمله، از یک فعل مجهول استفاده شده و به فرضی که کذب متصور باشد (یعنی از ایراد قبل صرف‌نظر کنیم)، اساسا نه شخص، نه حکومت و نه هیچ چیز دیگری موضوع این گزارش نیست تا کذبی به او نسبت داده شده باشد.

ایراد سوم: فراتر رفتن از حداقل مجازات بدون دلیل موجه قانونی

دکتر برهانی در مرحله بدوی، با سه محکومیت مواجه شد: فعالیت تبلیغی علیه نظام موضوع ماده ۵۰۰ قانون تعزیرات، رفتار خلاف شئون روحانیت موضوع ماده ۴۳ آیین‌نامه دادگاه ویژه روحانیت و نشر اکاذیب رایانه‌ای موضوع ماده ۲۴۶ قانون تعزیرات (جراتم رایانه‌ای).

مطابق با ماده ۲ قانون کاهش، دادگاه مکلف است در تعیین میزان حبس، اصولا و قاعداً حداقل را در نظر بگیرد و فراتر رفتن از میزان حداقل، نیازمند اقامه دلیل و توجیه‌آوری است. در این پرونده، دادگاه برای محکومیت نشر اکاذیب از بازه سه ماه تا دو سال، ۱۳ماه و ۱۶ روز را در نظر گرفت. دلیل تعیین این میزان مشخص، آن بود که مطابق با بند ب ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی دادگاه بدوی در اعمال قواعد تعدد جرم، لازم بود حداقل مجازات را میانگین بین حداقل و حداکثر قرار دهد (یعنی میانگین بین سه ماه و دو سال که می‌شود ۱۳ماه و ۱۶ روز). در واقع، توجیه فراتر رفتن از حداقل حبس قانونی این بود که تعدد جرم محقق شده بنابراین دادگاه ناچار است از حداقل (یعنی ۹۱ روز) فراتر برود. متعاقب اعتراض دکتر برهانی پرونده برای رسیدگی مجدد به دادگاه تجدیدنظر دادگاه ویژه روحانیت اراج‌شود. دادگاه تجدیدنظر دو فقره محکومیت را نقض کرد و هم‌اکنون تنها محکومیت باقی‌مانده، مربوط به نشر اکاذیب است. وقتی این محکومیت در کنار محکومیت دیگری نیست و منحصر است، زمینه اجرای قاعده تعدد جرم هم منتفی می‌شود بنابراین بند ب ماده ۱۳۴ هم اعمال نمی‌شود. نتیجه اینکه دادگاه مکلف است حداقل مجازات یعنی ۹۱ روز را تعیین کند و تعیین میزانی بیش از حداقل حبس، بدون ذکر دلیل و توجیه، صحیح نبوده است.

این ایراد، برخلاف دو ایراد اول که ناظر به اصل محکومیت بودند، ناظر به میزان محکومیت است و در هر حال حکمی که هم‌اکنون درباره ایشان در حال اجراست، خلاف موازین و مقررات قانونی است.

پاسخ به یک اشکال مقدر

ممکن است اشکال شود که آقای دکتر برهانی مرتکب چند فقره نشر اکاذیب شده است، پس اعمال قواعد تعدد صحیح بوده و متعاقبا تعیین مجازات ۱۳ماه و ۱۶ روز برای اتهام ایشان نیز صحیح بوده است؛ به‌ویژه با التفات به اینکه تعبیر «اکاذیب» در اینجا دلالت بر جمع ندارد و نشر یک فقره کذب هم برای تحقق این جرم کافی است. به عبارت دیگر حتی اگر تنها اتهام ایشان هم همین نشر اکاذیب بوده باشد و اتهام منحصر هم باشد، باز هم امکان اجرای قواعد تعدد هست.

اما این ایراد وارد نیست. اولاً این سخنان در فرضی صحیح است که دادگاه بدوی با التفات به چنین مسئله‌ای برای نشر اکاذیب تعیین مجازات کرده باشد، یعنی در دادنامه تصریح شده باشد که ایشان مرتکب چند فقره نشر اکاذیب شده است. ثانیا در فرضی که جرائم مختلف نباشد، مطابق با بند الف ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، اعمال قواعد تعدد اختیاری است. وقتی اعمال قواعد تعدد اختیاری باشد، آن‌گاه طبق ماده ۲ قانون کاهش، دادگاه مکلف است درباره جرایمی اعمال این اختیار، استدلال کند، و الا باز هم اصل بر تعیین مجازات حداقل است. به‌ویژه اینکه بند الف هم در همان قانون کاهش به ماده ۱۳۴ الحاق شده و جمع این دو مقررده، مقتضی چنین تفسیری است.

ثالثا نکته بسیار مهم این است که اگر ما دو ایراد اول را نپذیریم و برای این جرم، دایره وسیع معنایی قائل شویم، ناچاریم ملزم شویم که این جرم، یک جرم مستمر است، یعنی برای تحقق جرم بشر اکاذیب باید شخص، چند بار مرتکب کذب شود. در غیراین صورت، هرکس هر سخنی در فضای مجازی بگوید، ممکن است به چنین مجازاتی محکوم شود؛ درحالی‌که قطعا مراد قانون‌گذار این نبوده است. آن‌گاه اگر مستمربودن جرم نشر اکاذیب الکترونیکی را بپذیرفیم، دیگر تحقق تعدد جرم، مهمل است؛ یعنی مرتکب با نشر چندین کذب، تازه مرتکب «یک» بار جرم شده و در نتیجه نمی‌توان قواعد تعدد را اعمال کرد. در پایان باید عرض کنیم آنچه در این یادداشت آمده، بررسی و تاملات حقوقی درباره این موضوع بود. از نگاه افکار عمومی هم حبس یک متنفذ آن‌هم یک معلم دانشکاه، موجه و بپذیرفتنی نیست. امیدواریم با درایت مسئولان قضائی این وضعیت ادامه پیدا نکند.

برگ سبز خودروپر ایدصبا(جی تی ایکس)رنگ شیری

روغنی مدل ۱۳۸۲ به شماره پلاک ایران

۹۹-۶۱۹-۶۴ و شماره موتور ۰۵۴۱۳۳۸ و شماره

شاسی S1412282993204 به نام **مریم عابدی**

مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت دانشجویی **اینجناب امیر محمود هویلیج**

با شماره دانشجویی ۹۳۴۱۳۰۱۷ از دانشگاه

علم و صنعت ایران رشته برق در مقطع کارشناسی

مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

گزارش

عدالت بدون بخش خصوصی آب درهاون کوئیند است!

هر فردی، به واسطه شأن انسانی‌اش باید از حداقل زندگی، آموزش و بهداشت برخوردار باشد و این خواهد شد،

مگر با کسب ثروت و توزیع آن به واسطه پارامترها و مصادیق آن در عصر نوین، مانند پرداخت مالیات و تقویت پایه‌های اقتصادی دولت برای رسیدگی متناسب برای نیازمندان. تأمین زندگی مناسب توأم با بهداشت و آموزش (ریگان برایان همه که در قوانین اساسی اکثر کشورهای دنیا بر آن تأکید شده، حاصل نخواهد شد مگر با اتکا بر احترام به کارآفرین بخش خصوصی واقعی (و نه خصولتی) و سرمایه‌گذار و حکمرانی مبتنی بر احترام به نظام سرمایه. شاید مقایسه کشور چین کمونیستی در گذشته با چین کمونیستی درحال‌حاضر مقایسه مناسبی برای روشن‌شدن مطلب باشد. تقریبا در دهه ۱۹۸۰ که «نظام مانوئینستی» در این کشور برچیده شد و رهبران حزب کمونیتس پکن بدون تغییرات ماهوی سیاسی، فرش فرمزیر پای کاپیتالیسیم (نظام مبتنی بر سرمایه) پهن کردند و تغییرات اقتصادی مبتنی بر حمایت از سرمایه‌گذاری را سرلوحه برنامه‌های اقتصادی خود قرار دادند، کشورشان نه‌تنها از فقر مطلق گریخت، بلکه زدرنده سطح رفاه اجتماعی در کشور را به مدد سرمایه‌گذاری خارجی بالا بردند تا جایی که امروزه چین به واسطه قوانین حمایتی از سرمایه‌گذاری و کارآفرینا به دومین غول اقتصادی دنیا تبدیل شده است. به مدد همین اقتصاد پیشرو غبار فقر مطلق زدوده شد و مردم (اگرچه هنوز در روستاها تنها با آنچه کشت می‌کنند، روزگار می‌گذرانند) اما در شهرهای صنعتی و بزرگ به‌ویژه و در شهرهایی مانند شانگهای و پکن با اقتصادی مبتنی بر خدمات و صنعت وضعیت زندگی مردم متحول و عدالت نسبی که در زمان حاکمیت حزب کمونیست با اقتصاد مبتنی بر سوسیالیستی وجود نداشت،کم‌کم رنگ‌وبوی تازه‌ای گرفت. حال که رئیس‌جمهوری قصد برقراری عدالت در کشور را دارند، بد نیست خودشان دیداری بسا کارآفرینان بخش خصوصی داشته باشند،سخنان‌شان را بشنوند و راه را برای ایجاد اشتغال بیشتر و پیشرفت اقتصادی کشور (که دست بر قضا در ید همین افرادی است که میهن‌شان را برای کار و زندگی انتخاب کرده‌اند و برای اغتلائی آن می‌کوشند) بکشایند. باور داشته باشیم که برقراری عدالت و گستردن سفره آن در جامعه بدون اتکا به بخش خصوصی غیرممکن و آب در هاون کوئیند است. سردرگم‌شدن در لایحه‌های مختلف بخش‌های اقتصاد دولتی دستاوردی بزرگ برای دولت رقم نخواهد زد و ضامن برقراری عدالت نخواهد بود، چنان‌که تاکنون نبوده است.

حمله پیش‌دستانه

آنچه در اینجا مراد است، ناظر به حمله پیش‌دستانه احتمالی اسرائیل به ایران است. به گمان نگارنده، سیاست تبلیغاتی و شاید هم جنگ روانی ما در این قضیه کار اسرائیل را برای حمله‌ای پیش‌دستانه راحت

و حتی بسان آتش تهیه عمل می‌کند. طرفه آنکه، هر اقدامی از نوع تویت‌زنی‌هایی پیش‌گفته یا انجام بعضی مصاحبه‌های ناپخته و بیشتر حماسی و احساسی و حتی ترازیک توسط صدواسوما و برخی کانال‌های خبری و تحلیلی و از این قبیل مستندات لازم و کافی را در اختیار اسرائیل برای حمله احتمالی پیش‌دستانه قرار می‌دهد. اگر اسرائیل با جاحالی‌دادن‌های مزورانه و عدم قبول مسئولیت تروی که در تهران انجام داده، بتواند پانک احتمالی ایران را غیرقابل توجه جلوه دهد و این ناخوابسته راه گریز مصلحت‌جویانه‌ای ناظر به اجتناب‌ورزیدن از حمله تلافی‌جویانه را پیش پای ما نهد، حمله مستقیم‌پیش‌دستانه احتمالی اسرائیل هیچ راه گریزی برای ما باقی نمی‌گذارد که خوشنتر داری کرده و دست از حمله برداریم.

برگ سبز خودرو سواری پیکان مدل ۱۳۸۲

به شماره پلاک ۴۶۵ ۶۸ ۴۶۵

شماره موتور: ۱۱۱۵۸۲۳۱۵۹۴

شماره شاسی: ۸۲۴۱۹۲۹۷

به نام مجید غلامی مفقود گردیده

واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو، محمد ترک جوکاری فرزند محمد حسین

به شماره ملی ۳۹۳۴۴۶۲۹۰۱ خودرو برلیانس رنگ سفید

مدل ۱۳۹۷ شماره پلاک ۱۰ ایران ۹۸۹۶۴۵ به نام

محمد ترک جوکاری در تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

مفقود شده و فاقد اعتبار است.